

عصر امام باقر علیه السلام
و مراقبت از مبانی
اعتقادی اسلام

داود الهامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عصر امام باقر (علیه السلام) و مراقبت از مبانی اعتقادی اسلام

نویسنده:

داود هامی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	عصر امام باقر (علیه السلام) و مراقبت از مبانی اعتقادی اسلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مراقبت از مبانی اعتقادی اسلام
۱۳	قیام زید بن علی -
۱۹	پاورقی
۲۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: الهامی، داود ۱۳۱۶-۱۳۷۹

عنوان و شرح مسئولیت: عصر امام باقر (ع) و مراقبت از مبانی اعتقادی اسلام [منبع الکترونیکی] / داود الهامی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۹ بایگانی: ۳۲.۸KB)

موضوع: محمد بن علی (ع)، امام پنجم

قیام زید بن علی (ع)

مراقبت از مبانی اعتقادی اسلام

در زمان امام باقر (ع) بدعت گرایان و دین سازان عقاید انحرافی و افکار باطلی را در میان شیعیان انتشار می دادند و آن حضرت وظیفه خود می دانست، با هر نوع افکار انحرافی و بدعت‌های دینی مبارزه نماید و شیعیان را با مبانی اعتقادی صحیح اسلامی آشنا سازد. روی همین اصل خطاب به شیعیان می فرمود: «یا معشر الشیعه، شیعه آل محمد کونوا الثمره الوسطی، یرجع الیکم الغالی و یلحق بکم التالی.» ای گروه شیعیان آل محمد، شما همچون بالش میانه باشید (یعنی روشی اتخاذ نمائید خارج از حد افراط و تفریط، تا دیگران به شما تکیه کنند) تا آنکه غلو کرده به سوی شما برگردد و آن که عقب مانده خود را به شما برساند، در همین موقع مردی از انصار به نام سعد عرض کرد: جعلت فداک ما الغالی؟ قال: «قوم یقولون فینا مالا نقوله فی انفسنا فلیس اولئک و لسنا منهم.» «فدایت شوم غالی کیست؟ فرمود: مردمی که درباره ما می گویند آنچه را که ما درباره خود نمی گوئیم، اینها از ما نیستند و ما از آنها نیستیم. گفت: عقب مانده کدام است؟ فرمود: کسی که طالب خیر (دین حق) یا عمل صالح) است، خیر به او می رسد (زیرا عاقبت جوینده یابنده بود) و به همان مقدار نیتش پاداش دارد. سپس رو به ما کرد و فرمود: به خدا از جانب

خدا براتی نداریم، و میان ما و خدا قرابتی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت به سوی خدا تقرب نجوئیم، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد، دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند، دوستی ما سودش ندهد، وای بر شما مبادا فریفته شوید. وای بر شما مبادا فریفته شوید. [۱]. در زمان امام باقر (ع) در میان شیعیان این عقیده شایع شده بود که تشیع تنها محبت است، قبول تشیع یا محبت امیرالمومنین یا گریه بر مصائب امام حسین (ع) بدون طاعت و عبادت دیگر موجب سعادت و نجات است. امام باقر (ع) با یک جمله کوتاه، تمام رشته های اوهام و خرافات ایشان را بر باد داده، شیعیان خود را بیدار می کند و شاه راه حقیقت را پیش پای آنها می گذارد و می فرماید: «لا تذهب بکم المذاهب، فوالله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل» [۲]. و هر مذهبی شما را به راهی نبرد، به خدا که شیعه ی ما نیست، جز آنکه خدای عزوجل را اطاعت کند. یعنی افکار و عقاید باطل، شما را منحرف نسازد، بدانید یگانه راه سعادت و نجات، اطاعت خداست، و بس. در روایت دیگر، جابر می گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: «یا جابر اکتفی من انتحل التشیع ان یقول بحبنا اهل البیت فوالله ما شیعتنا الا من اتقی الله و اطاعه و ما کانوا یعرفون یا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه کثره ذکر الله...» ای جابر، آیا کسی که ادعای تشیع می کند او را بس است که از محبت ما

خانواده دم زند؟ به خدا شیعه ما نیست، جز آنکه از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید. ای جابر، ایشان شناخته نشوند، جز با تواضع و خشوع و امانتداری و بسیاری یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و مراعات حقوق همسایگان فقیر و بدهکاران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم، جز از نیکی آنها و آنها امین فامیل خویش باشند.» همین که سخنان امام (ع) به اینجا رسید جابر می گوید عرض کردم، ای پسر پیامبر، ما امروز کسی را که دارای این صفات باشد، نمی شناسیم. امام فرمود: «یا جابر لا تذهبن بک المذاهب حسب الرجل ان يقول أحب علينا و اتولاه ثم لا يكون مع ذلك فعالاً؟ ای جابر به راههای مختلف مرو، آیا برای مرد کافی است که بگوید: من علی (ع) را دوست دارم و از او پیروی می کنم و با وجود این فعالیت دینی نداشته باشد؟ پس اگر بگوید: من رسول خدا (ص) را دوست دارم، رسول خدا (ص) بهتر از علی (ع) است، سپس از رفتن او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر به او هیچ سودی ندهد، پس از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خدا است، عمل نمائید خدا با هیچ کس خویشی ندارد، دوست ترین بندگان خدای عزوجل، باتقواترین و مطیع ترین آنهاست. باز خطاب به جابر فرمود: یا جابر والله ما يتقرب الى الله تبارك و تعالی الا بالطاعة و ما معنا براءه من النار و لا علی الله لا حد من حجه من كان لله مطيعاً فهولنا ولی

و من كان لله عاصياً فهو لنا عدو، ما تنال ولا يتنا الا بالعمل و الورع» [۳]. ای جابر، به خدا جز با اطاعت به خدای تبارک و تعالی تقرب نمی توان جست و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچکس بر خدا حجت ندارد، هر که مطیع باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند، دشمن ماست و لاییت ما جز با عمل کردن و ورع به دست نمی آید. از این روایات استفاده می شود که این افکار و عقاید انحرافی در زمان امام باقر (ع) در میان شیعیان به شدت شایع بوده است و اغلب کسانی که دم از محبت اهل بیت می زدند، همین محبت خشک و خالی را بدون عمل به تعالیم اسلام در سعادت خوشبختی خود کافی می دانستند و در چنین شرایطی امام باقر (ع) وظیفه ی خود می دانست برای دفاع از عقاید شیعیان با این افکار و عقاید باطل مبارزه نماید و جلو این نوع انحرافات را بگیرد و شیعیان را بیدار و هوشیار سازد و از اصرار و تاکید امام (ع) روی این مسئله معلوم است که آن روز نفوذ این عقاید باطل در میان شیعیان برای مکتب تشیع یک خطر جدی محسوب می شد و اگر مراقبت امام باقر (ع) در حفظ عقاید شیعه و کوشش او در منع کسانی که بر خلاف این راه می روند، نبود تشیع از محتوا خالی می شد و معلوم نبود، سرنوشت تشیع به کجا منتهی می شد! در عصر امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) عقاید و افکار باطل زیادی در میان مسلمانان پیدا شده بود، و متکلمان در نفی و

اثبات عقاید خود از مباحث کلامی تاریک و پیچیده گفتگو می کردند و هر دسته از متکلمان، موافق رای و عقیده خود به آیاتی از قرآن استناد می جستند و در عصر این دو امام مجالی پیدا شد که این آراء را از نو بر قرآن تطبیق کنند و امر را به مجرای اصلی خود برگردانند، از این رو هنگامی که از امام باقر (ع) از جبر و اختیار پرسیدند در پاسخ فرمود: «ان الله ارحم بخلقه من ان يجير خلقه على الذنوب ثم يعذبهم عليها و الله اعز من ان يرید امرأ فلا- یكون». خداوند مهربانتر از آن است که بندگان خود را به گناه مجبور سازد، و آنگاه آنان را به سبب آن گناه عذاب کند. نیز خداوند تواناتر از آن است که کاری را بخواهد و انجام نشود. آنگاه از وی پرسیدند: «هل بین الجبر و القدر منزله ثالثه؟ قال نعم اوسع مما بین السماء و الارض» آیا در میان جبر و اختیار مرتبه سومی هم وجود دارد؟ فرمود: بلی وسیع تر از میان زمین و آسمان. بنابراین امام باقر (ع) جبر مطلق را رد می کند و میان جبر و اختیار، سومی قرار می دهد یعنی در واقع میان آن دو را جمع می کند. بدین گونه امام باقر (ع) آنها را به مجرای حقیقی خود بر می گرداند تا به واجب اصلی خود که جوهر حقیقت تشیع بدان بستگی دارد، قیام کند [۴]. آری همین که امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بر عکس امام حسین (ع) در شرایطی قرار می گیرند که می بینند دیگر درگیری مسلحانه رویاروی با نظام حاکم باعث نابودی

همه ی ارزشها و سرمایه های جاودانه خواهد بود، سرمایه هائی که با نابودی آنها همه ی میراث خانواده پیغمبر (که تداوم راستین اسلام است) از جامعه ی بشری ریشه کن خواهد شد، آنها به جای بسیج اندک امکانات شیعیان خود، که با کوچکترین گروه دستگاه حاکم به آسانی مغلوب و پراکنده می شدند، در این صورت تشیع هم مانند سایر مذاهب اسلامی محو تاریخ می گردید، بر اساس شرائط خاصی که در آن دوره حکومت داشت، استراتژی مبارزه را تغییر می دهند به خصوص اینکه می بینند لبه تیز حملات دشمن متوجه ریشه فکری اسلام است. به همین دلیل باقرین (ع) هم استراتژی مبارزه خود را بر مبنای مبارزه فکری عمیقی قرار می دهند تا از طریق «فردسازی» و «انسان سازی» بار دیگر امتی تربیت کنند بر مبنای اسلام راستین که بعد از احیاء اصول و ارزشهای اصیل اسلامی که برایش پایگاهی نمانده بود و می رفت در بوته فراموشی تاریخ بیفتد، از نو استراتژی متناسبی را در برابر شرایط آتی اتخاذ کنند. شرایطی حکمفرماست که همه ی مراکز بزرگ سیاسی در دست خلافت جور افتاده است و در آن شرایط تنها کاری که برای آنها امکان داشت، تربیت همان عده ای متفکر، آشنا، آگاه، مومن و مسئول بود، تا نخست سرچشمه ی زلال وحی را از نو بشناسند و به دیگران نیز تعلیم دهند و آنگاه بر مبنای آنها استراتژی جدیدی را برای مبارزه با خلافت جور اتخاذ کنند. هنگامی که از یک طرف بنی امیه رو به زوال می رود و از طرف دیگر بنی عباس به سرعت روی صحنه ظاهر می شود تضاد میان این دو غول عظیم که به شدت

به جان یکدیگر افتاده اند، مجال تنفسی در مدینه ایجاد کرده است که اگر این فرصت هم به رایگان از دست برود، دیگر دوباره بر نخواهد گشت، پس باید از این فرصت گذرا هم استفاده کرد که این دو امام (امام باقر و امام صادق «ع») کردند. از اینجا است که می بینیم صادقین (علیهم السلام) از جنگ و جهاد دوری می جویند و به انقلابیون زمان خودشان به ظاهر روی خوش نشان نمی دهند، گرچه خلافت جور بی میل نبود در قیامهای مردمی پای آنان را نیز به میان بکشد و آخرین ضربه را به پیکر خونین تشیع وارد آورد، ولی آنان بسیار هوشیارانه و محتاطانه عمل می کردند تا بهانه ای به دسته خلفای جور ندهند، اگر چه این روش و سیرت مسالمت آمیز آنان باعث رنجش خاطر شیعیان تندرو انقلابی می شد! و برای اینکه این عمل امام حمل بر تعطیلی حکم کلی جهاد نشود، امام باقر (ع) یادآور می شد که موضوع دوری از جهاد موقتی است، چنانکه ابونعیم روایت کرده است که امام باقر (ع) فرمود: «خداوند در دل‌های شیعیان ما ترس می افکند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند و مهدی ما آشکار شود، هر یک از شیعیان ما دلیرتر از شیر خواهد بود» [۵]. در اینجا به این نکته مهم اشاره کنیم، که زمان امام محمد باقر (ع) مصادف بود، با جنبش بزرگ علویان که بعداً بسیاری از شیعیان به آنها پیوستند، این جنبش و قیام مسلحانه و خروج به شمشیر در برابر ستم و تجاوز بود و رهبری این گروه را زید بن علی برادر ناتنی امام محمد باقر (ع) به عهده داشت.

حضرت

امام باقر (ع) مانند پدرش امام زین العابدین شیوه و سیرت خود را بر مسالمت بنا نهاده بود، ولی زید در کوفه بر حکام ستمگر اموی قیام کرد و از آن زمان یک انشعاب دیگری در شیعه به نام فرقه زیدیه پیدا شد و تاکنون در یمن باقی هستند.

قیام زید بن علی

عده ای از شیعیان افراطی و گروه زیادی از مسلمانان ناراضی از سیاست مسالمت آمیز امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و اشتغال مستمر آن دو به امور دینی، ناراضی بودند و آنان چنین می پنداشتند که امام باید بر ضد حکومت‌های جور قیام مسلحانه نماید و آنان جهاد و قیام مسلحانه را برای شیعه و امام شیعیان یک استراتژی ثابت و دائمی می دانستند و چون از سیاست امام باقر (ع) ناامید شدند، ترجیح دادند، کسی را از خاندان رسالت پیدا کنند که آنان را در مبارزه مسلحانه بر علیه حکام ستمگر امور رهبری نماید و آنان گرد برادر پرشور و فعال او زید بن علی جمع شدند، زیرا او هم از خاندان رسالت و هم عالم زاهد، شجاع بود و همانند جدش امام حسین (ع) استراتژی «انقلاب خون» را برای خود انتخاب کرده بود، مخالفت شدیدی هم با خلیفه سفاک اموی داشت. زید بارها به مناسبت های مختلف به دستور هشام بن عبدالملک حکمران اموی به دربار جلب و احضار می شد و با خلیفه غاصب ملاقات‌هایی داشت. زید از این فرصت‌ها استفاده می کرد و خلیفه مستبد اموی را نصیحت می نمود و اوضاع نابسامان ملت اسلام جنایاتی که نسبت به شیعه و انقلابیون علوی روا داشته می شد، و هشام شخصاً خود در راس همه ی این ظلمها

بود، برای وی تشریح و گوشزد می نمود. مرحوم مفید درباره ی علت قیام زید می گوید: «و سبب خروج زید بن علی رضی الله عنه گذشته از خونخواهی حضرت سید الشهداء این بود که آن جناب نزد هشام بن عبدالملک در شام رفت، و هشام مردم شام را برای ورود او به مجلس گردآورده بود و دستور داده بود، جای نشستن را چنان بر او تنگ کنند که نتواند در کنار هشام بنشیند پس زید چون وارد شد، به هشام گفت: در میان بندگان خدا کسی بالاتر از آن نیست که سفارش و وصیت به پرهیزکاری و ترس از خدا کند و نه کسی پست تر از آن نیست که دیگران او را به تقوی و پرهیزکاری سفارش کنند، و من ترا ای امیرالمؤمنین سفارش به تقوی و پرهیزکاری خدا می کنم، پس از خدا بترس هشام گفت: تو آن کسی هستی که خود را شایسته خلافت می دانی و امید آن داری؟ تو کجا و خلافت کجا ای بی مادر، جز این است که تو فرزند کنیزی هستی؟! زید گفت: من کسی را در مرتبه و منزلت پیش خدا بالاتر از پیغمبری که برانگیخته ندانم و او فرزند کنیزی بود، و اگر پسر کنیز بودن موجب کم شدن رتبه و مقام بود، برانگیخته نمی شد، و آن کس اسماعیل فرزند ابراهیم (ع) است. پس پیغمبری و نبوت مرتبه اش نزد خدا بالاتر است، یا خلافت ای هشام؟ و از این گذشته چگونه کم رتبه است مردی که پدرش رسول خدا است و فرزند علی بن ابیطالب (ع) می باشد؟ هشام از مجلس برخاست و به پیشکار مخصوص خود گفت: این مرد نباید در

میان لشکر من شب را به روز آورد. زید دید دیگر سخن گفتن و نصیحت کردن به نامردی چون هشام بی نتیجه است و در حالی که این جملات حماسه آفرین را زیر لب زمزمه می کرد، از مجلس هشام بیرون آمد (انه لم یکره قوم قط حر السیوف الا ذلوا) یعنی ملتی که از داغی شمشیر بترسند، باید تن به خواری و ذلت دهند. [۶]. و چون این جمله به گوش هشام رسید با حالتی غضب آلود، رو به اطرافیان کرد و گفت: شما خیال می کنید که این خاندان، نابود می شوند، نه به جان خودم قسم خانواده ای که مثل این مرد از خود به جای گذاشته اند، هرگز منقرض نخواهند شد [۷]. زید در حالی که از ملاقات با هشام سخت خشمگین بود، از شام خارج شد. مولف تاریخ فخری درباره ی قیام زید می نویسد: «زید از حیث علم و زهد و ورع و شجاعت و دین و کرم از بزرگان اهل بیت به شمار می آمد، وی پیوسته نزد خود درباره ی خلافت می اندیشید و خویشان را لایق آن می دانست، تا آنکه روز کار خلافت هشام بن عبدالملک فرا رسید. هشام زید را متهم کرد که مالی از «خالد بن عبدالله قسری» امیر سابق کوفه در نزد او به عنوان امانت موجود است، سپس زید را نزد یوسف بن عمر، امیر کوفه در آن زمان فرستاد. زید نزد یوسف آمد سوگند یاد کرد که مالی از «خالد» در پیش من نیست یوسف زید را رها کرد، چون زید به قصد مدینه از کوفه خارج شد، مردم کوفه در پی اش رفته بدو گفتند خدایت رحمت کند،

کجا می روی؟ حال آنکه ما با صد هزار شمشیر زن در زیر فرمان تو هستیم (این تخرج عنا و معک مأه الف سیف) و از بنی امیه جز نفری چند در کوفه نیست. با اینگونه سخنان همواره زید را ترغیب می کردند، زید در پاسخ آنان گفت: ای مردم من از مکر و فریب شما می ترسم، زیرا شما با جدم حسین (ع) رفتاری کردید که همه می دانند و از زمامدای در کوفه امتناع ورزید، لیکن مردم کوفه زید را رها نکرده وی را سوگند دادند که از عزم خویش باز گرد و گفتند ما جان خود را در راه تو بذل می کنیم و هر نوع عهد و پیمانی که بخواهی با تو می بندیم، آنچنان اصرار کردند، تا زید را بر گرداندند. چون او به کوفه برگشت گروه شیعه به او روی آورده برای بیعت به نزد وی شتافتند تا آنکه در دیوان وی نام ۱۵ هزار نفر از مردم کوفه ثبت شد و این سوای مردم مدائن و بصره و واسط و موصل و خراسان و ری و جرجان و جزیره بود» [۸]. زید مدت پنج ماه در کوفه و بصره مردم را به قیام و بیعت با خود دعوت می کرد و مردم گروه گروه به محل سکونت وی می رفتند و با او بیعت می کردند. البته نهضت زید، نهضت خاص شیعه نبود و او در نهضت خویش به تمام فرق اسلامی نظر داشت و حتی کسانی که در عقیده و فکر در مسائل مهم اسلامی مانند مسئله خلافت و امامت با او همراه نبودند، به پیوستن به نهضت دعوت می کرد. شهید قاضی نورالله شوشتری صاحب

کتاب ارزنده «احقاق الحق» در کتاب «مجالس المومنین» می نویسد: «او به هر راهی که ممکن بود، می خواست مردم مسلمان را به گرد خود جمع کند تا به دفع و نابودی دشمنان خود و خاندان پیامبر پردازد و هر کسی از بدان و خوبان و سنی و شیعه و معتزلی و ... با او همراه شد». [۹]. چنانکه می گویند: «فکانت الیعه تشمل فرق الامه کلها» [۱۰] بیعت زید شامل تمام فرق اسلامی می شد. لذا در میان بیعت کنندگان چهره های برجسته و شخصیت‌های معروفی بودند، که دست زید را برای یاری او و جهاد در راه خدا فشردند و در میان یاران زید فقهاء و محدثین و رواه و شعراء و دانشمندان به نام بودند که هر یک خود مقامی ارجمند داشتند، به طوری که ابوالفرج اصفهانی در کتاب «مقاتل الطالبیین» فصلی در کتاب خود در باب حالات زید بن علی باز کرده زیر عنوان «تسمیه من عرف ممن خرج مع زید بن علی من اهل العلم و نقله الاثار و الفقهاء» (نام شخصیت‌های معروفی از دانشمندان و محدثین و فقهاء که با زید قیام کردند) که اسامی جمعی از آنان را در آنجا آورده است [۱۱]. نظر بر اینکه زید قصد داشت، تمام مسلمانان را بر ضد بنی امیه متحد و متشکل سازد و صف واحدی از عموم مسلمانان اعم از سنی و شیعه و دیگر فرقه های اسلامی تشکیل دهد، نامه هایی به شخصیت‌های بزرگ می فرستاد تا حمایت و پشتیبانی آنها را نسبت به خود جلب نماید، از جمله کسانی که زید برای او نامه نوشت و او را به کمک خویش و جهاد بر

ضد حکومت بنی امیه فرا خواند، ابوحنیفه امام فرقه حنفی است و نامه را توسط یکی از یارانش به نام «فضیل بن زبیر» به ابوحنیفه فرستاد، موقعی فضل نامه زید را به ابوحنیفه داد، از او پرسید، بگو بینم از فقهاء و علماء چه کسانی با زید بیعت کرده اند و به او پیوسته اند. فضل در پاسخ گفت: سلمه بن کهل، زید ابن زیاد، هارون بن سعد، هاشم بن برید ابوهاشم رمانی و حجاج بن دینار و عده ای دیگر از علماء و فقهاء در این نهضت با زید همراه هستند. ابوحنیفه از زید با عظمت یاد کرد و قیام وی را بجا و لازم توصیف نمود، ولی گفت من به مردم کوفه اعتماد ندارم، همان طور که پدران او را تنها گذاشتند، با او هم چنین کنند، اگر چنین نبود من به کمک او قیام می کردم و او را با جان خود یاری می دادم، چون می دانم دعوت و نهضت او حق است. آنگاه به فضل گفت: از قول من به زید بگو، من به شما کمک مالی می کنم و در راه جهاد با دشمنان ترا با امکانات خود یاری می دهم، و نزد من اموالی است که در راه این نهضت به تو می سپارم و شما می توانید اسب و اسلحه تهیه کنید و قدرت نظامی خود را افزایش دهید. آنگاه ابوحنیفه رفت و سی هزار درهم آورد و به فضل داد و گفت: اینها را به زید بده، فضل می گوید من همه آن اموال را به زید دادم و او هم قبول کرد [۱۲]. پشتیبانی و کمک ابوحنیفه از قیام زید در نظر خاندان علوی

مه تلقی گردید، چنانکه مروان بن معاویه می گوید: از محمد بن جعفر بن محمد (فرزند امام صادق (ع) شنیدم که می گفت: رحم الله اباحنیفه، لقد تحققت مودته لنا فی نصرته زید بن علی و فعل باین المبارک فی کتمانہ فضائلنا و دعی علیہ [۱۳] خدا رحمت کند ابو حنیفه را او دوستی و علاقه مندی خود را به ما به خاطر پشتیبانی اش از زید، ثابت کرد و او ابن مبارک را به خاطر کتمان کردن فضائل اهل بیت مواخذه و نفرین نمود.

پاورقی

[۱] کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۵ مترجم ج ۳، ص ۱۲۰.

[۲] کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴.

[۳] کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴.

[۴] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۹.

[۵] ابونعیم، حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۴.

[۶] مفید، ارشاد، ص ۲۵۲.

[۷] نقل از وقایع ایام ص ۹۱.

[۸] ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه کتاب «الفخری فی الاداب السلطانیه...» ص ۸۱۷۷ ترجمه وحید گلپایگانی.

[۹] شوشتری، مجالس المومنین، ج ۲، ص ۲۵۵.]

[۱۰] الحور العین، ص ۱۸۶.

[۱۱] ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۴۸ ۱۴۴.

[۱۲] همان مدرک ص ۱۴۶ ۷۱ ابن بزاز کردی، مناقب الامام الاعظم ابی حنیفه، ج ۱، ص ۲۵۵.

[۱۳] ابوالفرج اصفهانی مقاتل الطالبین، ص ۶ ۱۴۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

